

# نگارخانه

## فصلنامه علمی

وابسته به بنیاد فرهنگی خدماتی امام حسن عسکری (ع)

سال سوم، بهار ۱۴۰۲

شماره هشتم

- قلمرو آزادی در فقه، اخلاق و رسانه / سید محمد حسینی دره‌صوفی
- نقش مباشر و سبب در ارتکاب جرم قتل / محمد علی علی‌دادی
- تاثیر خانواده بر اخلاق و شخصیت افراد / ابراهیم افتخاری
- گونه‌های بهره‌گیری از فقه در حل تعارضات اخلاقی / سید رضی قادری
- سیر تاریخی زناشویی تا به اسلام / جعفر ناطقی
- ملاک تقویم مال و چالش‌های قرار وثیقه غیر نقدی / محمد آصف افتخاری
- مشروعیت اطاعت از مافوق در دستگاه اداری از منظر فقه اهل‌بیت / سید رضا علوی

عنوان: فصلنامه علمی نسیم کوثر  
مدیر مسئول و سردبیر: سید محمد حسینی دره صوفی  
ویراستار: سید محمد نقوی  
گرافیسیت: سید محمود محسنی  
شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه  
قیمت: ۳۰,۰۰۰ تومان  
صاحب امتیاز: بنیاد فرهنگی خدماتی امام حسن عسکری (ع)  
شماره تماس: ۰۰۹۸۹۳۵۳۹۶۹۷۷۶  
سایت فصلنامه: [nasimekosar.blog.ir](http://nasimekosar.blog.ir)  
ایمیل: [nasimkosar1399@gmail.com](mailto:nasimkosar1399@gmail.com)  
دفتر مرکزی و محل چاپ: ایران: قم، شهر قائم، ۱۲ متری شهید رجایی، پلاک ۵۲، واحد سوم

## راهنمایی نویسندگان و شیوه نامه نگارش فصلنامه علمی نسیم کوثر

۱. مقاله قبلا در نشریه دیگری به چاپ نرسیده یا همزمان برای سایر مجلات ارسال نشده باشد.
۲. مقاله دارای عنوان، چکیده به زبان فارسی، واژگان کلیدی، مقدمه، متن اصلی، نتیجه گیری، منابع و ماخذ باشد.
۳. مقاله در برنامه word و باقلم IR lotus و اندازه ۱۴ نازک بوده. و عنوان مقاله با قلم B Titr و اندازه ۱۴ تایپ شود.
۴. حجم هر مقاله حداقل ۱۲ و حداکثر ۲۲ صفحه باشد.
۵. کلمات کلیدی بین ۴-۷ کلمه و بصورت فارسی باشد.
۶. چکیده فارسی، از ۱۵۰ تا ۲۰۰ کلمه باشد.
۷. عناوین اصلی و فرعی شماره بندی چند سطحی شود و هیچ عنوان بدون شماره نباشد.
۸. معادل انگیسی اصلاحات و مفاهیم علمی رایج پانویس شود.
۹. ارجاع به منابع درون متنی باشد. داخل پرانتز، نام خانوادگی، سال انتشار و شماره صفحات ذکر شود. مثال (حاجی ده آبادی، ۱۳۹۶، ۱۰۰).
۱۰. فهرست منابع و ماخذ، به ترتیب الفبای نام خانوادگی نویسندگان، باشد (الف). کتابها: نام خانوادگی نویسنده، نام نویسنده، سال انتشار، عنوان کتاب، (بصورت توپر)، نام خانوادگی مترجم یا مصحح، نام مترجم یا مصحح، شماره جلد، محل انتشار و ناشر. مثال: هارت، هربت، ۱۳۹۰، مفهوم قانون، راسخ، محمد، تهران، نشر نی.
- ب). مقالات: نام خانوادگی، نام، سال انتشار، عنوان مقاله، (بصورت توپر)، نام مجله، شماره مجله و شماره صفحات اول و آخر مقاله. مثال: رضایی، محسن، ۱۳۸۵، روش تجربی، فرهنگ مدیریتی سال چهارم، شماره دوازدهم، ۱۷۲، ۱۸۹.
۱۱. در زیر عنوان مقاله اسم نویسنده یا نویسندگان و در قسمت پاورقی ایمیل و سمت پژوهشگر و همچنین مشخص نمون نویسنده مسئول. (به عنوان مثال حسینی، سید محمد، دانشجوی دکتری فقه و حقوق قضایی، جامعه المصطفی العالمیه، قم).
۱۲. مقالات بیانگر آرا و نظرات نویسندگان است و فصلنامه نسیم کوثر مسئولیتی ندارد.
۱۳. نقل مطالب نشریه با ذکر منبع بلامانع است.

## اعضای هیأت تحریریه:

۱. سید محمد حسینی دره صوفی، دانشجوی دکتری فقه و حقوق قضایی، نخبه و پژوهشگر برتر در دانشگاه بین المللی المصطفی. قم
۲. دکتر سید رضی قادری، دکتری فلسفه اخلاق از دانشگاه باقر العلوم، سطح چهار فقه و اصول حوزه، استاد سطوح عالی حوزه. قم
۳. محمدعلی علیدادی، دانشجوی دکتری فقه و حقوق قضایی، جامعه المصطفی العالمیه. قم
۴. محمد اسماعیل حلیمی، دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم شناسی، جامعه المصطفی العالمیه. قم
۵. حفیظ الله محمدی، سطح چهار، دانشگاه خاتم النبیین. کابل
۶. قربانعلی مبلغ. کارشناسی ارشد فقه و حقوق قضایی، جامعه المصطفی العالمیه. قم.



سال سوم، بهار ۱۴۰۲، شماره ۸

## قلمرو آزادی در فقه، اخلاق و رسانه

سید محمد حسینی دره صوفی<sup>۱</sup>

### چکیده

آزادی از حقوق طبیعی انسان است و هرکسی حقِ برخورداری از آزادی‌های خود را دارد. انجام این پژوهش از این جهت ضرورت دارد که بتوان با شناخت دقیق آزادی در فقه، اخلاق و رسانه، قلمرو آن را مشخص کرد و این نکته را بیان داشت که آزادی بی‌قید و شرط نیست. سؤالی که در این پژوهش پاسخ داده شده است این است که: قلمرو آزادی در فقه و اخلاق با تأکید بر فضای رسانه تا کجاست؟ هدف پژوهش، شناخت دقیق قلمرو آزادی در فقه و اخلاق با تأکید بر فضای رسانه است. تحقیق از نوع توصیفی تحلیلی با تکنیک پیمایشی است و ابزار گردآوری آن کتابخانه و داده‌های دیجیتال است. جامعه هدف آن همه بشریت است. برخی از یافته‌های تحقیق عبارت‌اند از: ۱. قلمرو آزادی در فقه اهل بیت (ع) تا جایی گستره دارد و قیدی بر آن نهاده نمی‌شود که منجر به ایراد ضرر بر دیگری نشود و حق الله و حق الناس را ضایع نکند. ۲. هر چند آزادی به عنوان یک فضیلت اخلاقی بر شمرده شده است؛ اما با هرج و مرج و بی‌بندوباری و فساد اخلاقی نمی‌سازد. ۳. آزادی رسانه در اسناد بین‌المللی، دارای حدود و قیودی است که دامنه قلمرو آن را محدود نموده است.

### کلیدواژه

قلمرو آزادی، آزادی در فقه، آزادی بیان، محدودیت‌های اخلاقی، آزادی رسانه

۱. دانشجوی دکتری فقه و حقوق قضایی، گرایش جزا و جرم‌شناسی، جامعه المصطفی العالمیه. قم.

## ۱. مقدمه

یکی از مباحث مهمی که در تمام ادوار تاریخ مطرح بوده و امروزه به اوج خود رسیده است بحث آزادی است. آزادی از جمله حقوق طبیعی انسان شمرده می‌شود. آزادی در تمام جنبه‌های مختلف زندگی انسان جریان دارد اعم از فردی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی را شامل می‌شود. از آزادی در انتخاب دین و مذهب گرفته تا آزادی بیان، آزادی در انتخاب محل سکونت، آزادی در تردد و رفت آمد، آزادی در نحوه پوشش، در خوردن و آشامیدن، ازدواج، تفریح و سایر موارد. امروزه هر حکومتی در قوانین خود تعریف خاصی از آزادی دارد و ملت‌ها نیز بر اساس قوانین موضوعه قلمرو آزادی خود را با قانون دولت خود تطبیق می‌دهند. اهمیت این بحث در آن است که اگر قلمرو آزادی مشخص نباشد، هرکسی می‌تواند به بهانه آزادی، به دیگران آسیب بزند. همان‌گونه که آزادی بی‌حد و حصر فرهنگی می‌تواند به انسانیت انسان، به کرامت و شرافت او و به حقوق انسانی او ضربات جبران‌ناپذیری وارد نماید. از سوی دیگر ممکن است در کشورهای مختلف، قدرتمندان با تفسیر آزادی به نفع خود بتوانند به ملت خود و به ملت‌های دیگر ظلم روا دارند. بر همین اساس باید مشخص کرد که آیا آزادی بی‌حد و حصر است یا قلمرو معینی دارد؟ فقه اهل بیت (ع) عهده‌دار تبیین قلمرو آزادی انسان است. باید دید که دیدگاه فقه اهل بیت (ع) در این مورد چیست؟ بحث آزادی در عرصه اخلاق فردی و اجتماعی مطرح است که چه نسبتی بین اخلاق و آزادی برقرار است؟ آیا اخلاق می‌تواند موجب تضییق دایره شمول آزادی شده و آزادی فردی و اجتماعی را محدود می‌کند؟ اساساً آیا اخلاق و آزادی دو چیز متفاوت‌اند و در مقابل همدیگر قرار دارند یا اینکه آزادی یکی از فضایل اخلاقی است؟ از طرفی امروزه رسانه یکی از عمده‌ترین بازیگران زندگی انسان است و افکار، عقاید، سلیقه‌ها و سبک زندگی ما را شکل می‌دهد و این جاست که بحث آزادی رسانه مطرح می‌شود و اینکه آیا رسانه‌ها آزادند هر چیزی بگویند و بنویسند و به نمایش بگذارند یا اینکه آزادی رسانه هم با محدودیت خاصی مواجه است؟ در این نوشتار قلمرو آزادی به طور عام و آزادی بیان به طور خاص در فقه و اخلاق با تأکید بر فضای رسانه به تحلیل و بررسی گرفته شده است و به این سؤال که: قلمرو آزادی در فقه و اخلاق در فضای رسانه تا کجاست؟ و این که آیا می‌توان آزادی را به خاطر آزادی محدود کرد

یا نه؟ پاسخ داده شده است.

## ۲. مبانی نظری

### ۱-۲. تعریف آزادی

آزادی یکی از چالش‌برانگیزترین واژگان در قاموس زندگی بشری است. هر مکتبی و هر نظام سیاسی و حکومتی تعریف مورد نظر خود را از آزادی ارائه کرده‌اند. آزادی از آن واژگانی است که بیش از هر چیزی دیگری دستخوش تغییر بر اساس مصلحت شخصی یا حکومتی شده است. تعریفی که در غرب آزادی مطرح شده است با بسیاری از تعاریف شرقی متفاوت است و تعریف یک نظام حکومتی از آزادی با تعریف نظام دیگر یکسان نیست. هر جهان‌بینی تعریف خاص خود از آزادی را عنوان کرده است.

باتوجه به مطالب فوق، نمی‌توان تعریف قابل پذیرش همگانی از آزادی ارائه کرد. برخی بر این باورند که آزادی یعنی رهایی از هر قید و شرط و بندگی. یعنی آزاد کسی است که اگر میل به انجام کاری داشته باشد و قدرت و ذکاوت انجام آن را داشته باشد با مانع مواجه نشود (هابز، ۱۳۸۰ش، ص ۵۰؛ هابز، ۱۸۳۹، ۲۱۵). «کانت» باور دارد که آزادی، استقلال انسان از هر چیز به جز قانون اخلاقی است (کرنستین، تحلیل نوین از آزادی، ۱۳۴۹، ص ۱۳). جمعی دیگر آزادی را در چارچوب قوانین موضوعه تعریف کرده‌اند یعنی هر آنچه که در قانون مجاز شمرده شده باشد، انسان در آن مورد آزاد است و چیزی که در قانون ممنوع باشد، آزادی در آن قسمت وجود ندارد (منتسکیو، ۲۹۲؛ ۱۹۷۵، ۹۷، hegel; ۲۰۰۱، ۵۴، hegel).

هر سه دیدگاه قابل نقد است.

آزادی بی‌حد و حصر به معنای افسارگسیختگی است و باعث هرج و مرج در زندگی فردی و اجتماعی می‌شود و دست زورمندان را در تجاوز به حقوق مستضعفان باز می‌گذارد و از سوی دیگر باعث از هم گسیختن نظام اخلاقی می‌شود.

آزادی به معنای رفتار طبق حکم عقل نیز پیامدهای مخربی دارد زیرا چه بسا حکم عقل مخالف مصلحت انسانی و رسیدن به کمال باشد.

آزادی در حیطه قانون نیز منجر به ظلم و بی‌عدالتی نظام حکومتی می‌شود؛ چون هر چه حاکمیت مقرر کند و تصویب کند، ملت را ملزم به عمل به آن می‌نماید و سر از استبداد و

خودکامگی در می‌آورد.

آزادی از بعد سیاسی با آزادی فلسفی و کلامی متفاوت است. از بعد فلسفی آزادی به معنای اختیار در مقابل جبر به کار برده شده است. از بعد سیاسی به معنای برخورداری فرد از امکانات دولتی در حیطه حقوق مدنی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و سایر حقوق است. (علی بابایی، ۱۳۹۶، ص ۴۹)

از میان دانشمندان اسلامی نظر قوی بر این است که آزادی روشن است و نیاز به تعریف ندارد (امام خمینی، صحیفه امام، ج ۱۰، ص ۹۴-۹۵)

به نظر می‌رسد که آزادی را باید در چهارچوب مبانی دینی تعریف کرد. آزادی یعنی آزاد بودن در انجام هر نوع گفتار و رفتاری که باعث رسیدن به کمال فردی و اجتماعی شود؛ مع الوصف آن گفتار یا رفتار منجر به تضييع حقوق ديگران نشود.

## ۲-۲. تعریف اخلاق

در باره اخلاق، تعاریف متفاوت و مختلفی ارائه شده است که اختلاف در آن از اختلاف در جهان بینی‌های مختلف ناشی می‌شود؛ زیرا هر مکتبی بینش و نگرش مخصوص به خود را در مورد اخلاق به کار برده‌اند. در جهان بینی اسلام، اخلاق عبارت است از مجموعه‌ای از اصول و رسومی که جامعه برای پیراستن اعمال و افعال خود از بدی‌ها و گرایش به خوبی‌ها، گردآورده است که تخلف از آن اصول و رسوم باعث آزار و جلدان آدمی می‌شود به نحوی که فقه و حقوق سعی در صیانت آن‌ها دارند (لنگرودی، ۱۳۸۳، ۲۱۹).

اخلاق در اندیشه اسلام فنی است که پیرامون ملکات انسانی بحث می‌کند. ملکاتی که مربوط به قوای نباتی، حیوانی و انسانی اوست. هدف از اخلاق این است که فضائل انسانی را از رذائل آن جدا سازد و مشخص کند که کدام یک از ملکات نفسانی انسان فضیلت و باعث تکامل و ترقی مادی و معنوی انسان می‌شود و کدام یک زشت قبیح و رذیلت است و باعث انحطاط و سقوط آدمی می‌گردد (طباطبایی، ۱۳۹۳، ۳۷۱). اخلاق در کنار عقاید و احکام، یکی از سه رکن اساسی دین است. دین منهای اخلاق ناقص است.



## قلمرو آزادی در فقه، اخلاق و رسانه \* ۱۱

### ۲-۳. تعریف رسانه

رسانه (Media) در لغت به معنای رساندن است و به ابزارهای گفته می‌شود که افکار، عقاید و فرهنگ مورد نظر را به افراد یا جامعه هدف منتقل نماید (خاکزاد شاهاندشتی، سید غلامحسین، ۱۳۹۱، ص ۱).

از رسانه توسط دانشمندان این رشته تعاریف متفاوتی ارائه شده است که به مهم‌ترین آنان اشاره می‌شود:

۱. رسانه وسیله‌ای است برای انتقال پیام از پیام‌دهنده به مخاطب یا مخاطبان (سازمان صداوسیما، ۱۳۸۹، ص ۱۸۹).

۲. رسانه به معنی هر وسیله‌ای است که انتقال‌دهنده فرهنگ‌ها و افکار عده‌ای باشد (باقر ساروخانی، بیتا، ص ۳)

۳. رسانه عبارت است از آن دسته از وسایلی که مورد توجه تعداد کثیری بوده و از تمدن جدید به وجود آمده است (ژان کازنو، ترجمه باقر ساروخانی و منوچهر محسنی، ۱۳۶۵، ص ۱، ۳).

در این تعریف رسانه به شکل کامل معرفی نشده است و تعریف دقیق‌تر این است که رسانه یعنی هر ابزاری اعم از رادیو و تلویزیون و ماهواره و تابلوی عادی یا دیجیتالی، صفحات وب، شبکه‌های اجتماعی، کتاب، مقاله، روزنامه، مجله و ابزار مشابه دیگر که توسط آن بتوان اطلاعات مورد نظر اعم از عقاید، اخبار، افکار، و هر نوع اطلاعات دیگر را به صورت هدفمند به جامعه هدف یا فرد مورد نظر منتقل نمود چه آن اطلاعات متن باشد یا صوت یا فیلم و یا هر نوع اطلاعات دیگری.

### ۳. پیشینه موضوع

تاکنون آثار زیادی اعم از کتاب، مقاله و پایان‌نامه در مورد آزادی به نگارش درآمده است برخی از این آثار به شرح ذیل است:

احمدی امین، مصباح. (۲۰۱۸). اصول و مبانی حاکم بر تعیین قلمرو آزادی در اسلام. معرفت فرهنگی اجتماعی، ۳۴(۹)، ۱۰۵-۱۲۰.

این مقاله به قلمرو آزادی در اسلام پرداخته است اما به قلمرو آن در اخلاق و رسانه اشاره‌ای نکرده. اسلام هم اعم از فقه اهل بیت (ع) است.

اشتیاق. (۲۰۰۲). حدود قانونی آزادی رسانه‌ها در زمان جنگ: ایالات متحد آمریکا. پژوهش‌های حقوقی، (۱۱)، ۱۵۵-۱۶۶.

این مقاله تنها به بخشی از قلمرو آزادی رسانه اشاره کرده و تنها زمان جنگ را پوشش داده است

ظهیری سید مجید. حدود آزادی و سیستم‌های حقوقی اسلامی و لیبرالیسم. مقاله فوق، قلمرو و حدود آزادی را در حقوق اسلام و لیبرالیسم مورد کاوش قرار داده است و بحثی فقهی نشده است.

لک زایی، ش.، شریف. (۲۰۱۴). رابطه اخلاق و آزادی؛ با تأکید بر اندیشه آیت‌الله مطهری. *Metafizika dhe Morali*، (۴)، ۹۹-۱۲۰.

این مقاله به رابطه اخلاق با آزادی پرداخته و قلمرو آنان را مشخص نکرده است میرزایی، ولی، وطنی، عباسی سرمدی. (۲۰۱۹). ساختار اخلاقی در حدود آزادی اطلاعات و فیلترینگ در ایران. پژوهش‌های اخلاقی، (۱۰)۳۸، ۲۶۵-۲۷۶.

از بررسی مجموع این آثار می‌توان برداشت نمود که جایگاه مقاله تحت عنوان قلمرو آزادی در فقه و اخلاق در فضای رسانه در میان آثار پژوهشی خالی است و در این زمینه کار مستقلی انجام نشده است؛ هرچند به صورت پراکنده پژوهش‌های صورت گرفته که کافی نیست. از آنجاکه آزادی مصادیق بسیاری دارد، نمی‌توان همه مصادیق آن را در این پژوهش مورد بررسی قرار داد. بر همین اساس، به بررسی آزادی بیان که یکی از مصادیق آن است بسنده شده است.

#### ۴. آزادی بیان و قلمرو آن در فقه اهل بیت (علیهم‌السلام)

آزادی بیان در فقه اهل بیت (علیهم‌السلام)، به‌ویژه در کتب فقهای معاصر تحت عنوان مستقلی مورد بحث قرار گرفته است. کلیت آزادی‌های مشروع، مورد قبول فقهای اهل بیت (علیهم‌السلام) است. یکی از فقها در مورد دادن آزادی بیان به مخالفان سیاسی می‌فرماید: «این حق عام و نسبت به موافق و مخالف یکسان است» (حسینعلی منتظری، رساله استفتانات، ج ۲، ص ۴۳۵) اسلام ۱۴ قرن قبل، نظریه آزادی را بیان فرمود؛ در حالی که قوانین وضعی در اواخر قرن نوزدهم به طرح و بسط نظریه آزادی پرداختند. تا قبل از قرن ۱۹ م، قوانین وضعی بشر به

## قلمرو آزادی در فقه، اخلاق و رسانه \* ۱۳

آزادی به صورت کلی و آزادی بیان به صورت خاص اعتنا نداشتند؛ بلکه سخت ترین عقوبت‌ها را در مورد مصلحان و متفکرین و هرکسی که عقیده و نظری مخالف ابراز می نمود، به کار می گرفتند. این واقعیت تاریخ است؛ اما امروزه دروغ بزرگی را دامن زده اند مبنی بر اینکه اروپائی‌ها اولین کسانی بودند که ندای آزادی سر دادند. باید دانست که این ادعا از جهل این مدعیان به شریعت اسلامی و فقه اهل بیت (علیهم السلام) سرچشمه می گیرد. اروپایی‌ها ممکن است در برابر این جهل خود امروزه عذری بتراشند؛ اما ما چنین عذری نداریم (سید محمد حسینی شیرازی، الفقه (کتاب الحقوق)، ج ۱۰۰، ص ۶۴).

در بررسی فقهی آزادی بیان، به طرح دیدگاه یکی از فقهای معاصر مکتب اهل بیت (علیهم السلام) پرداخته می شود. نویسنده کتاب «الفقه»، آزادی بیان را در دو بخش ۱. مشروعیت آزادی بیان و ادله آن ۲. حدود آزادی بیان، بحث نموده است. در قسمت ادله آزادی بیان عنوان نموده که چهار دلیل از قرآن سنت، اجماع و عقل بر وجود آزادی بیان در فقه قابل ارائه است (همان، ج ۱۰۶، ص ۲۲۰ تا ۲۲۱).

### ۴-۱. دلایل قرآنی آزادی بیان

قرآنی کریم از راههای متعدد اقدام به حمایت از آزادی بیان، تبیین قلمرو آن نموده است: «وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ؛ و بارهای سنگین و زنجیرهایی را که بر آن‌ها بود، (از دوش و گردنشان) برمی دارد» (سوره اعراف (۷)، آیه ۱۵۷). وجه دلالت این آیه بر آزادی بیان روشن است؛ زیرا اسلام بندهای ضد آزادی بیان را برداشته است و از هرگونه ایجاد محدودیت و ممنوعیت در زمینه آزادی بیانی که سازنده باشد و مخرب نباشد جلوگیری می کند. اسلام ضمن پذیرش آزادی بیان، از مخالفان خود می خواهد اگر راست می گویند که دلیل و مدرکی بر رد اسلام دارید ارائه کنید: «قُلْ هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ؛ بگو: دلیلتان را بیاورید اگر راست می گویند!» (سوره نمل (۲۷)، آیه ۶۴). درخواست اسلام از منکرین خود مبنی بر اینکه اگر دلیلی بر رد اسلام دارید عرضه نمایید اوج آزادی بیان را می رساند؛ زیرا در بسیاری از مکاتب امروزی، اگر اظهار نظر مخالف، موجب تضعیف پایه های فکری آن شود قطعاً سرکوب می شود؛ اما اسلام با کمال خونسردی، از مخالفان خود درخواست اظهار نظر می کند. قرآن کریم در موارد متعددی دستور می دهند تا در جامعه باید امر به معروف و نهی

از منکر انجام شود و این یک وظیفه همگانی است: «وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَ يُأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ؛ باید که از میان شما گروهی باشند که به خیر دعوت کنند و امر به معروف و نهی از منکر کنند» (سوره آل عمران (۳)، آیه ۱۰۴). دستور به امر به معروف و نهی از منکر مبتنی به آزادی بیان است. در جامعه که آزادی بیان سرکوب شود، جلو امر به معروف و نهی از منکر گرفته می‌شود. نگاه اسلام به آزادی بیان تا حدی گسترده است که اگر مشرکی خواهان صحبت با شخص حضرت محمد (صلی الله علیه وآله) باشد تا از طریق سؤال و جواب و استدلال، احتمال هدایت شدن آن وجود داشته باشد. به مشرک اجازه داده می‌شود؛ تا آزادانه به بیان نظرات و اعتقادات خود پرداخته و سپس با شنیدن نظرات اسلام به تفکر واداشته شود. قرآن در این زمینه می‌فرماید: «وَإِنْ أَحَدٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ اسْتَجَارَكَ فَأَجِرْهُ حَتَّى يَسْمَعَ كَلَامَ اللَّهِ ثُمَّ أَبْلِغْهُ مَأْمَنَهُ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَعْلَمُونَ؛ و اگر یکی از مشرکان از تو پناهندگی بخواهد، به او پناه ده تا سخن خدا را بشنود» (سوره توبه (۹)، آیه ۶) این آیه به خوبی قلمرو آزادی بیان را در فقه اهل بیت (علیهم السلام) و دین اسلام انعکاس داده است.

#### ۴-۲. ادله روایی بر آزادی بیان

سنت و سیره ائمه اهل بیت (علیهم السلام) دستورالعمل‌های ناب و جامعی در مورد رسمیت بخشیدن به آزادی بیان دارد از جمله:

الف) حضرت محمد (صلی الله علیه وآله) در تأیید آزادی بیان می‌فرماید: «ومن رأى منكم منكراً فليغيره بيده فإن لم يستطع فبلسانه فإن لم يستطع فبقلبه وذلك أضعف الأيمان؛ هر کدام از شما که با منکری مواجه شدید باید با دست خود نسبت به از بین بردن آن اقدام نمایید، اگر با دست نتوانستید با زبان به مخالفت با آن برخیزید و اگر قدرت مخالفت با گفتار را هم نداشتید، قلباً از آن کار ناراضی باشید...» (ابوالقاسم پاینده (گرد آورنده)، ص ۷۶۸). یکی از دستورات مهمی که در این حدیث بدان تأکید شده است، مخالفت زبانی با منکرات است؛ و پیش فرض این مسئله، به رسمیت شناختن آزادی بیان است. رسول خدا (صلی الله علیه وآله) در جایی دیگر می‌فرماید «بهترین جهاد، گفتن حرف حق در برابر سلطان و حاکم ستمگر است» (همان، ص ۲۲۹). از لازمه گفته شدن حرف حق، مشروعیت آزادی بیان است.

## قلمرو آزادی در فقه، اخلاق و رسانه \* ۱۵

ب) آزادی بیان در اندیشه حضرت علی (علیه السلام)

یکی از بارزترین ویژگی‌های حکومت عادلانه حضرت علی (علیه السلام)، گسترش آزادی بیان در قلمرو حاکمیت حضرت بود. در هیچ جای تاریخ نمی‌توان مدرکی یافت که حضرت مانع بیان و گفتار مردم حتی مخالفان سیاسی خود شده باشد. چنان‌که خطاب به مالک اشتر می‌فرماید: «مقدم‌ترین و نزدیک‌ترین مردم در نزد تو باید کسی باشد که حق را اگرچه تلخ باشد بیش از دیگران و گویاتر از دیگران به تو بگوید» (ابن ابی‌الحدید معتزلی، شرح نهج‌البلاغه، ج ۱۷، ص ۳۶). این سفارش وسعت قلمرو آزادی بیان را در اندیشه حضرت علی (علیه السلام) می‌رساند که به والی خود دستور می‌دهد از شنیدن حرف‌های تلخ و بر حق دیگران طفره نرود و مردم را از حق طبیعی آزادی بیان محروم نسازد. حضرت علی (علیه السلام) در مناسبتی دیگری می‌فرماید: «بنده دیگری مباش زیرا که خداوند تو را آزاد آفریده است» (همان، ج ۱۶، ص ۹۰). این فرمایش بر آزادی بیان صراحت دارد؛ زیرا کسی که نتواند از آزادی بیان خود استفاده نماید، در حقیقت به نوعی تحت فشار قرار گرفته و از جای دیگری ترس و هراس دارد که نمی‌تواند آزادانه حرف خود را اظهار نماید. اسلام با چنین هراس افگنانه که مانع آزادی بیان شوند مقابله نموده و به همه انسان‌ها نوید می‌دهد که در اظهار نظرات سازنده و مفید خود از کسی نه‌راسید و برده کسی نباشید که خداوند شما را درگفتن حقایق، آزاد آفریده است.

### ۳-۴. آزادی بیان در پرتو عقل

از چند جهت می‌توان به این دلیل عقلی استناد نمود:

۱. اگر آزادی بیان وجود نداشته باشد، حکومت، متوجه نقص‌های خود نخواهد شد و در نتیجه متوجه احتیاجات جامعه نمی‌شود. با اینکه بر حکومت اسلامی لازم است که نقص‌های موجود در جامعه اسلامی را برطرف نماید و احتیاجات افراد جامعه را برآورده کند. پس در قدم اول باید انسان از آزادی در گفتن و نوشتن بدون هیچ ترسی برخوردار باشد تا حکومت متوجه آن نقایص شود. در روایت هم آمده که: بهترین برادران کسی است که مرا نسبت به عیب‌هایم واقف سازد (همان ج ۱۰۶، ص ۲۲۱).

۲. اگر آزادی بیان وجود نداشته باشد جامعه به رشد و تکامل سیاسی نمی‌رسد. به عبارتی دیگر تربیت سیاسی پیدا نمی‌کند. جامعه زمانی به لحاظ سیاسی رشد می‌کند و به تکامل

می‌رسد که مردم بتوانند در موضوعات مختلف اظهار نظر کنند. افعال و رفتار سیاستمداران و حاکمان و متصدیان را موردند و ارزیابی قرار دهند، نسبت به ارائه پیشنهادها و انتقادات خود بی‌می‌نداشتند باشند. زمانی که تبادل و تضارب آراء و اقوال سیاسی در جامعه گسترش پیدا نمود، می‌توان خوب را از بد تشخیص داده و نقطه نظرات سیاسی خوب را برگزید و نسبت به نظرات سیاسی مضر و منفی جبهه‌گیری کرد. از طرفی آزادی بیان منجر به ورود جامعه در متن سیاست شده و از منزوی شدن سیاسی افراد جلوگیری می‌شود (همان، ص ۲۲۱-۲۲۲).

۳. فقدان آزادی بیان منجر به مقاومت انسان و بیدار شدن حس مقابله با سرکوبگری می‌شود. جلوگیری از آزادی بیان منجر به انفجار جامعه در برابر نظام حاکم می‌گردد؛ زیرا انسان در مقاومت نمودن در برابر هرگونه سرکوبگری خو گرفته است؛ همان گونه که در مورد کنجکاوی بودن و فهمیدن کارهای ممنوعه خو گرفته و حس کنجکاوی، او را وادار به فهمیدن کارهای ممنوعه و انجام آن‌ها می‌نماید (همان، ص ۲۲۲).

۴. سرکوبی آزادی بیان منجر به دیکتاتوری سردمداران حکومت می‌شود. آزادی بیان در قالب امر به معروف و نهی از منکر، در مقابل خطاها و اشتباهاتی که حاکم و هر مسئول دیگری بر اساس مطامع و شهوات مادی خود دنبال می‌کند، چون صافی عمل می‌نماید (همان، ص ۲۲۲).

جایگاه آزادی بیان در فقه تا حدی تکامل یافته است که هرگونه مقابله با اظهار نظری که در آن شخص از آزادی کامل برخوردار نباشد مردود اعلام می‌گردد. در فقه بانی وجود دارد تحت عنوان اقرار. اقرار یکی از ادله اثبات حکم است. قاعده کلی وجود دارد که «اقرار هر انسان عاقلی بر ضرر خودش جایز و نافذ است» (جواد عاملی، مفتاح‌الکرامه، ج ۹، ص ۲۳۸). اقرار در صورتی نافذ است که قوه قهریه شخص را وادار به اقرار نکرده باشد؛ یعنی این اظهار نظر، با آزادی کامل فرد صورت گرفته باشد؛ بنابراین، اقرار اکراهی و اجباری حکمی را ثابت نمی‌کند (سید محمد حسینی شیرازی، پیشین، ص ۴۲۱).

البته این نکته را باید متوجه بود که قلمرو آزادی بیان تاجایی گستره دارد و قیدی بر آن نهاده نمی‌شود که منجر به ایراد ضرر بر دیگری نشود و سر از دروغ‌پراکنی، تهمت، افترا و تخریب در نیآورد. اگر به این حد برسد دیگر آزادی نیست بلکه تجاوز قلمداد می‌گردد مثل قتل و غارت

## قلمرو آزادی در فقه، اخلاق و رسانه \* ۱۷

و سرقت و تعدی به آبرو و حیثیت (سید محمد حسینی شیرازی، الفقه، ج ۱۰۶، ص ۲۲۲-۲۲۳).

### ۵. قلمرو آزادی بیان در اخلاق

آزادی بر محور اخلاق، تحدیدی بر اطلاق آزادی است و دامنه قلمرو آزادی را مشخص می‌سازد. اخلاق به‌عنوان معیار و سنجۀ عقلی و وجدانی برای رفتار و آزادی‌های انسانی است.

آزادی یکی از فضایل اخلاقی است (امام خمینی، صحیفه نور، ج ۵، ص ۳۸۸). آزادی زمینه را برای رشد جامعه اخلاقی فراهم می‌کند. هرچند آزادی به‌عنوان یک فضیلت اخلاقی برشمرده شده است، اما ذاتاً مقید است و دارای قلمرو خاصی است و با هرج و مرج و بی‌بندوباری و فساد اخلاقی نمی‌سازد. ارزش‌های اخلاقی یکی از قالب‌های بیان‌کننده مصالح و حقوق انسانی است. قلمرو آزادی انسان تا جایی است که با موازین اخلاقی برخوردی نداشته باشد. آزادی‌های موردنظر اسلام تا جایی است که موجب فساد اخلاق نباشد و بی‌عفتی را در جامعه دامن نزنند (صحیفه نور، ج ۵، ص ۲۶۲).

اینکه قلمرو آزادی در اخلاق تا کجاست؟ سؤالی مشکلی است مثل قلمرو آزادی در فقه نیست. قلمرو آزادی در فقه مشخص است و تا کنون پژوهش‌های وسیعی در این زمینه انجام شده است. برخلاف قلمرو آزادی در اخلاق که با توجه به جستجوی انجام شده، در این مورد تحقیق مستقلی انجام نشده است و چندین مقاله به بحث ارتباط آزادی با اخلاق پرداخته‌اند؛ اما قلمرو آزادی را در اخلاق مشخص نکرده‌اند.

در اینکه یکی از مبانی محدودیت‌های آزادی، مسئله اخلاق است، در آن شکی نیست. حدود و قلمرو آزادی و مصادیق آن مثل آزادی بیان و غیره، با در نظر گرفتن مسئله اخلاق مشخص می‌شود و اسناد بین‌المللی نیز در بحث محدودیت‌های آزادی، به اخلاق توجه ویژه دارد و تقریباً همه اسناد مذکور اخلاق حسنه را یکی از محدودیت‌ها در بحث آزادی بیان داشته‌اند

حال که اخلاق به‌عنوان یکی از عوامل محدود کننده قلمرو آزادی مطرح شده است، منظور کدام اخلاق است؟

به نظر می‌رسد منظور اخلاقی باشد که از صفت نسبت بر خوردار است. یعنی اینجا مراد

مطلق‌گرایی نیست که قواعد اخلاقی همیشه در همه جا و در هر زمانی ثابت باشد، بلکه در هر کشوری قواعد اخلاقی آن در هر زمانی نسبت به زمان دیگر فرق می‌کند. به عبارت دیگر مراجع قضای و ملی هر کشور مشخص می‌کند که چه فعلی اخلاقی یا غیر اخلاقی است و این از قضاوت اکثریت افراد آن جامعه (عرف عام) کشف می‌کند  
این بحث را از دو جهت قابل پژوهش است:

#### ۱. عوامل اخلاقی محدود کننده آزادی

در این قسمت بحث از این است که آزادی که قلمرو آن در فقه مشخص شده است چه عوامل اخلاقی (رذایل اخلاقی) می‌تواند باعث محدود شدن دایره قلمرو آن شود. یا به عبارت دیگر، آیا رذایل اخلاقی که در اخلاق بحث می‌شود می‌تواند محدود کننده قلمرو آزادی باشد یا خیر؟

#### ۲. نقش فضایل اخلاقی در توسعه قلمرو آزادی

فضایل اخلاقی چگونه می‌تواند باعث وسعت دایره قلمرو آزادی شود؟ و اساساً چنین چیزی محقق می‌شود یا نه؟

قبل از پرداختن به اصل بحث، ذکر یک مقدمه ضرورت دارد و آن اینکه:

ذهنیت عموم مردم از آزادی، همان حقوق و آزادی‌های فردی و اجتماعی است که در قسمت قبل بیان شد؛ اما نوعی دیگر از آزادی که با اخلاق ارتباط عمیقی دارد، آزادی معنوی است. منظور از آزادی معنوی این است که انسان خود را از قیدوبند هوای نفس و رذایل اخلاقی برهاند و ضمن پاسداشت از فضایل اخلاقی مسیری رهایی بخش تکامل و سعادت را بی‌یابد. بر همین اساس در روایات به کسی که با هوای نفس خود به مبارزه برخیزد و بر او فائق آید، کلمه «حر» به معنای «آزاد» به کار رفته است. تعبیر روایت این است که: «من ترک الشهوات، کان حراً»؛ کسی که با شهوت‌های نفسانی خود مبارزه کند، آزاد است (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۴، ص ۲۳۹).

به نظر شهید مطهری یکی از آزادی‌های که مورد غفلت جامعه قرار گرفته، آزادی معنوی است و بر اساس همین غفلتی که از آزادی معنوی و اخلاقی دارند، به آزادی اجتماعی نیز به شکل کامل آن دست نمی‌یابند (مطهری، ۱۳۷۸، ص ۴۰).



## قلمرو آزادی در فقه، اخلاق و رسانه \* ۱۹

واضح است که فضائل اخلاقی نقش مهمی در توسعه و گسترش دامنه قلمرو آزادی دارد.

برای تشریح و تفهیم بیشتر بحث یک نمونه از مصادیق آزادی را با بحث تطبیق می‌کنیم. آزادی بیان یکی از مهم‌ترین مصادیق آزادی است که در تمام جهان در مورد آن بحث‌های چالش‌برانگیز زیادی صورت گرفته و به کرات در همه دولت‌ها و ملل جهان مورد قانون‌گذاری قرار گرفته است.

حال ببینیم هریک از فضایل و رذائل اخلاقی چه نقشی در توسعه یا تحدید قلمرو آزادی بیان دارد؟

آزادی بیان با اینکه اصل آن در قوانین و کنوانسیون‌های بین‌المللی مثل اعلامیه حقوق بشر، اعلامیه حقوق بشر اسلامی، میثاق‌های حقوق مدنی، سیاس مورد تأیید قرار گرفته است؛ اما مطلق و بدون قید و شرط نیست. در هریک از قوانین مربوطه، محدودیت‌های برای آن و تحدید قلمرو آن وضع شده است.

### ۱-۵. عدم تبعیض

طبق بند «د» ماده ۲۲ اعلامیه حقوق بشر اسلامی، آزادی بیان در صورتی که موجب تبعیض شود مردود است و تبعیض قائل شدن یکی از رذایل اخلاقی است. پس برانگیختن حس تبعیض نژاد از عوامل محدود کننده آزادی بیان شمرده شده است

### ۲-۵. عدم اختلال در ارزش‌ها

ایجاد اختلال در ارزش‌ها، یکی دیگر از محدودیت‌های وضع شده بر آزادی بیان است که در ماده ۲۲ اعلامیه حقوق بشر اسلامی در نظر گرفته شده است.

بند «ج» از ماده ۲۲ این اعلامیه مقرر می‌دارد که سوءاستفاده از آزادی بیان برای ایجاد اختلال در ارزش‌ها یا متشتت شدن جامعه ممنوع است.

واضح است که این اعلامیه هرگونه اختلال در ارزش‌های اخلاقی را به بهانه آزادی بیان مردود می‌داند. شخص نمی‌تواند به دلیل اینکه من آزادی بیان دارم ارزش‌های اخلاقی موجود در جامعه را هدف قرار دهد و برای رسیدن به منافع خود از روی آن‌ها عبور کند.

اصول اخلاقی که مرتبط با آزادی بیان عبارت‌اند از توهین، تهمت، دروغ، افشای سر، تفرقه‌انگیزی، نشر اطلاعات مستهجن اعم از فیلم، عکس، متن، تعدی به ابرو و حیثیت دیگران. رعایت این اصول اخلاقی باعث توسعه حق آزادی بیان می‌شود.

### ۳-۵. حفظ نظم عمومی

حفظ نظم عمومی که از آن در بند «ج» از ماده ۲۲ اعلامیه به «متشت شدن جامعه» تعبیر شده است، یکی دیگر از عواملی است که با اخلاق ارتباط دارد. دسته‌ای از اصول اخلاقی هستند که باعث حفظ نظم عمومی می‌شود، مثل وفای به عهد، صداقت، امانت‌داری و... حال اگر کسی در جامعه بتواند ضمن استفاده از آزادی بیان خود، به این اصول عمل کند، حق آزادی بیان او محفوظ است و الا با نقض این اصول، نظم عمومی جامعه به هم می‌ریزد و جامعه دچار تشتت می‌شود و این جاست که او به سوءاستفاده از آزادی بیان محکوم گردیده و آزادی بیان با محدودیت مواجه خواهد شد.

### ۴-۵. اخلاق حسنه

یکی از مواردی مهمی که در اعلامیه جهانی حقوق بشر نسبت به آزادی بیان در نظر گرفته شده است، اخلاق حسنه است. ماده ۲۹ این اعلامیه در این مورد مقرر می‌دارد که: هرکس در اجرای حقوق و در مقام برخورداری از آزادی‌های خویش، تنها از محدودیت‌هایی پیروی می‌کند که قانون منحصرأً به منظور تأمین شناسایی و حرمت به حقوق و آزادی‌های دیگران، بالجمله برای تحقق بخشیدن به مقتضیات عادلانه اخلاق و نظام اجتماعی و مصلحت عمومی، در یک جامعه دموکرات وضع کرده باشد.

همان‌گونه که مشخص است، نقش رعایت اصول اخلاقی در اعلامیه جهانی حقوق بشر بسیار مهم است و اگر کسی از آزادی بیان خلاف اخلاق حسنه استفاده نماید، آزادی بیان وی با محدودیت مواجه خواهد شد. پس اخلاق حسنه به‌عنوان عامل توسعه‌دهنده آزادی بیان در نظر گرفته شده است.

بند ۲ ماده ۲۷ منشور آفریقایی حقوق بشر و ملت‌ها مقرر می‌دارد که حقوق و آزادی‌های هر شخص با در نظر گرفتن حقوق دیگران، امنیت جمعی، منافع عمومی و اخلاق اعمال

## قلمرو آزادی در فقه، اخلاق و رسانه \* ۲۱

می‌شود.

احترام به‌عنوان یک اصل اخلاقی در بحث آزادی بیان مدنظر این منشور آفریقایی قرار گرفته و تأکید کرده است که: هر شخصی متعهد به احترام و در نظر گرفتن هم نوع خودش بدون هیچ تبعیضی است و ارتباطش را به‌منظور ارتقای حفاظت و تقویت احترام و همزیستی متقابل حفظ نماید (منشور آفریقایی حقوق بشر و ملت‌ها، ماده ۲۸).

ارتقا و حمایت از ارزش‌های اخلاقی و سنتی جامعه از دیگر مواردی است که مورد توجه این منشور قرار گرفته است (همان، ماده ۱۷، بند ۳).

### ۵-۵. فحاشی

در آیه «لا یجب الله الکفر بالسوء من القول» (نساء/۱۴۸)، خداوند از گفتن سخن زشت به دیگران منع کرده است. علامه طباطبایی در این زمینه می‌نویسد:

کلمه «سوء من القول» یعنی هر سخنی که طرف مقابل از شنیدن آن ناراحت شود و باعث کینه و کدورت شود مثل نفرین کردن، دشنام دادن، بیان عیوب و نواقص طرف به صورت زنده (ب) (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۵، ص ۲۰۱). مطابق این آیه، سخن‌های ناپسندی که باعث انزجار و ناراحتی دیگران می‌شود، ممنوع است و آزادی بیان، اگر منجر به دشنام و فحاشی شود ممنوع است.

### ۵-۶. غیبت و عیبجویی از دیگران

قرآن کریم در آیه «ویل لکل همزة للمزه» (همزه/۱) هرگونه غیبت و عیبجویی از دیگران را منع کرده است. فرقی نمی‌کند غیبت از مؤمن باشد یا غیر مؤمن. یعنی شخص حق ندارد از افرادی که مخالف عقاید و تفکرات اوست نیز غیبت کند چه رسد به غیبت همکیشان خود؛ زیرا خداوند به طور مطلق فرموده است که: «وای بر هر کسی که بسیار مردم را عیب‌گویی و غیبت می‌کند».

با توجه به آیه مبارکه؛ شخص نمی‌تواند تحت این عنوان که من حق آزادی بیان دارم، در نبود دیگران، حرف بی‌مورد بزند و یا از او عیبجویی و عیب تراشی کند؛ چرا که شخص حق ندارد به بهانه آزادی بیان، اقدام به تخریب دیگران کند

### ۵-۷. جدل غیر احسن بعد از کشف حقیقت

قرآن کریم در همان سالهای اولیه تأسیس اسلام، آزادی بیان را به رسمیت شناخت. این بحث در حدی اهمیت داشت که بارها از آزادی بیان مخالفان اسلام سخن به میان آورده و آن‌ها را دعوت به مناظره نموده است. مثل مناظره با مسیحیان نجران و... اسلام ضمن پذیرش حق آزادی بیان، از لجاجت و جدل در پذیرش حقیقت منع کرده است و در این زمینه می‌فرماید:

وَلَا تُجَادِلُوا أَهْلَ الْكِتَابِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ (عنکبوت/۴۶)؛ از جدل غیر احسن خودداری کنید

بعد از کشف حقیقت و یقین به درستی آن نباید از روی لجاجت بر خواسته‌های باطل خود پافشاری کند. بسیاری از اهل کتاب در صدر اسلام، بعد از کشف حقایق اسلام، به جدل رو می‌آوردند. این جا بود که خداوند دستور داد: فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَابْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ (آل عمران، ۶۱). این آیات از هرگونه جدل که ناشی از لجاجت در پذیرش حق باشد منع می‌کند و آزادی بیان نباید منجر به جدل غیر احسن شود

### ۵-۸. توهین و افترا

آزادی بیان می‌تواند به صورت جدی به حیثیت دیگران آسیب وارد کند. یکی از این موارد سوءاستفاده از آزادی بیان در قالب توهین و افتراست.

در راستای این موضوع، کشورها، در پاسداشت از حیثیت دیگران، مقرراتی وضع کرده‌اند که هرگونه توهین و افترای به دیگران به بهانه داشتن حق آزادی بیان ممنوع است. آغاز حق بر حفظ حیثیت دیگران، پایان مرزهای آزادی بیان است.

در قوانین جزایی، توهین به عنوان عمل مجرمانه قلمداد شده است و از جمله مواردی است که ناقض حدود آزادی بیان است

در ماده ۶۰۸ قانون مجازات اسلامی، آمده است «توهین به افراد از قبیل فحاشی و استعمال الفاظ رکیک چنانچه موجب حد قذف نباشد مجازات شلاق تا (۷۴) ضربه و یا پنجاه هزار تا یک میلیون ریال جزای نقدی خواهد بود».

### ۹-۵. دروغ‌پردازی

قرآن کریم در آیه «اجتنبوا قول الزور» (حج/۳۰)، به روشنی از هرگونه دروغ‌پردازی منع نموده است. علامه می‌فرماید: «کلمه زور به معنای انحراف از حق است؛ و به همین جهت، دروغ و هر سخن باطل دیگری را نیز زور می‌گویند» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۴، ص ۵۲۴).

امروزه یکی از مهم‌ترین مشکلات که آزادی بیان با آن مواجه شده است، همین دروغ‌پردازی است. بخش زیادی از مشکلات اجتماعی و مشکلات حقوقی ناشی از دروغ‌گویی است که از یک سو باعث سوءاستفاده از آزادی بیان می‌شود و از سوی دیگر موجب تضییق قلمرو آن می‌گردد و برعکس صداقت در گفتار باعث گسترش قلمرو آن می‌گردد. در صورت اشاعه دروغ‌گویی در بین جامعه دیگر تشخیص حق از باطل و سخن درست از نادرست دشوار می‌شود و افراد سودجو از این موقعیت برای رسیدن به اهداف شوم خود استفاده می‌کنند و از طریقه سلطه بر اموال، جان و منافع مردم مانع اجرای درست اصل آزادی بیان می‌شوند.

### ۱۰-۵. تحریف بیان یا کتمان حقیقت

آزادی بیان بی‌قید و شرط این موقعیت را در اختیار افراد سودجو قرار می‌دهد که با تحریف کلام دیگران، جامعه را به سمت و سوی اهداف خود سوق دهند. کتمان حقیقت و منقلب کردن روشی دیگری برای محدود کردن قلمرو آزادی بیان است. خداوند متعال در این مورد می‌فرماید: «لا تلبسوا الحق بالباطل و تکتبوا الحق» (بقره/۴۲)؛ این آیه بیانگر این است که آزادی بیان تا جایی می‌تواند کارساز باشد و تا جایی قابل احترام است که ابزاری برای تحریف کلام دیگران یا مخفی کردن حقیقت نشود؛ اما اگر از آزادی بیان برای چنین مقاصدی شومی استفاده شود، قطعاً با محدودیت و ممانعت مواجه می‌شود.

### ۱۱-۵. تجسس

قرآن کریم می‌فرماید: «لا تجسسوا» (حجرات/۱۲). تجسس یعنی تلاش برای فهمیدن چیزهای خصوصی دیگران که دوست ندارند کسی خبردار شود. به عبارت دیگر تجسس یعنی تلاش برای فهمیدن نقطه ضعف‌ها و عیب‌های دیگران و بیان کردن آن‌ها به افراد دیگر (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۸، ص ۴۸۴). احدی نمی‌تواند از حق آزادی بیان خود برای جاسوسی و فضولی در

کار دیگران و بازگو کردن کارهای خصوصی دیگران، استفاده کند. آزادی بیان نباید باعث رفتن آبروی دیگران شده و موجب خدشه به حیثیت افراد شود. دخالت در اسرار زندگی دیگران باعث از خطوط قرمزی است که آزادی بیان نباید از آن عبور کند و الا سرکوب می شود.

### ۵-۱۲. ترویج فساد

قرآن کریم در ۱۴ مورد، (بقره/۶۰ و ۲۰۵؛ مانده/۶۴؛ اعراف/۷۴ و ۸۵؛ هود/۸۵ و ۱۱۶؛ رعد/۲۵؛ نحل/۸۸؛ شعراء/۱۵۱ و ۱۵۲ و ۱۸۳؛ نمل/۴۸؛ قصص/۷۷؛ عنکبوت/۳۶)، بیان داشته است که هر کاری که موجب ترویج فساد در جامعه شود ممنوع است. آزادی بیان هم مشمول این اصل قرآنی است

علامه طباطبایی در تفسیر آیه «واذا تولی سعی فی الأرض لیفسد فیها ویهلك الحرث والنسل والله لا یجب الفساد» (بقره/۲۰۵) می فرماید: «کلمه تولی به معنای دارای ولایت و سلطنت شدن و تملک آن است، ... سعی هم به معنای عمل و هم به معنای سرعت در راه رفتن است؛ در نتیجه، معنای آیه چنین است که این منافق شدید الخصومه وقتی دستش برسد و دارای قدرتی شود و ریاستی به دست آرد، سعی می کند فساد را در زمین بگستراند و ممکن است کلمه تولی به معنای اعراض از روبه روشدن و گفت و گو کردن باشد و معنا چنین باشد که چون از نزد تو بیرون می شود، وضعش غیر آن وضعی می شود که در حضور تو داشت؛ در حضور تو دم از صلاح و اصلاح و خیر می زد و می گفت در این راه سعی خواهد کرد، ولی چون بیرون می شود، در راه فساد و افساد سعی می کند. «یهلك الحرث و از نسل» از ظاهر این عبارت بر می آید که می خواهد فساد در زمین را بیان کند، و بفرماید فساد و افسادش به این است که حرث و نسل را نابود کند؛ و اگر نابود کردن حرث و نسل را بیان فساد قرار داده، برای این است که قوام نوع انسانی در بقای حیاتش به غذا و تولید مثل است. اگر غذا نخورد، می میرد؛ و اگر تولید مثل نکند، نسلش قطع می شود؛ و انسان در تأمین غذایش به حرث یعنی زراعت نیازمند است؛ چون غذای او یا حیوانی است و یا نباتی و حیوان هم در زندگی به نبات نیازمند است، پس حرث که همان نبات باشد، اصل در زندگی بشر است و بدین جهت، فساد در زمین را با نابودی حرث و نسل بیان کرد. پس معنای این آیه این شد که او از راه نابود کردن حرث و نسل در زمین فساد می انگیزد، و در نابودی انسان می کوشد»

## قلمرو آزادی در فقه، اخلاق و رسانه \* ۲۵

(طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۱۴۵). طبق این آیه شریفه، اگر آزادی بیان منجر به مخاطره افتادن ارزاق مردم و نسل آنان شود مردود است.

اگر به دقت نگاه کنیم شعار «فرزند کمتر زندگی بهتر» در ایران باعث شد نسل شیعه در این کشور به خطر افتد و جامعه دچار سن پیری شود که اگر این روش ادامه یابد تبعات اسفناکی برای ایران خواهد داشت و همه این‌ها به خاطر همین شعار و پیامدهای منفی آن بود که اگر از اول روی آن به درستی فکر می‌شد، جامعه در سراسیبی سقوط نسل قرار نمی‌گرفت.

### ۶. قلمرو آزادی بیان در رسانه

رسانه‌های مشهور عبارت‌اند از رادیو، تلویزیون، خبرگزاری‌ها، روزنامه‌ها، مجلات و مصادیق مطبوعات که توسط خبرنگاران، روزنامه‌نگاران، گویندگان، هنرمندان، سیاست‌مداران، سرمایه‌داران، نظامیان، دانشمندان و... تولید و منتشر می‌شود. رسانه‌های به لحاظ مالکیت یا دولتی است.

یا عمومی که دولت به آن‌ها کمک مالی می‌کند و به همان میزان بر آن نظارت دارد اما بخش عمده هزینه‌های آن با کمک‌های مردمی و خیرین و حق اشتراک، ارائه خدمات و... تأمین می‌شود

یا خصوصی است. رسانه‌های خصوصی توسط افراد، احزاب، گروه‌ها و... ایجاد می‌شود و هرکدام هدف خاصی دارد که با بودجه شخصی اداره می‌شود (مرتضوی، ۲۰۱۱). ص ۵۶- (۵۷)

رسانه نقش مهمی در تحقق مردم‌سالاری در جامعه دارد باعث ایجاد و تداوم مشروعیت یک نظام سیاسی می‌شود. دولت‌ها به کمک رسانه مردم را در مسیر دلخواه خود هدایت می‌کنند و مردم نیز از طریق رسانه به نقد عملکرد دولت جهت بهتر شدن شرایط و اوضاع و احوال جامعه می‌پردازند. اصل بر آزادی رسانه است و این اصل مورد تأکید قوانین حقوق بشری قرار گرفته است و حقوق‌دانان بر آن صحه گذاشته‌اند

بر اساس تعریفی از این اصل، «افراد حق نشر افکار و عقاید خود را از طریق نوشتجات یا مطبوعات دارا می‌باشند؛ بدون اینکه نشر آن‌ها موقوف بر تحصیل اذن یا محکوم به سانسور باشد» (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۳، ص ۲۳۷).

به عبارت واضح‌تر، تعریف اصل آزادی رسانه و مطبوعات در دو سطح عام و خاص قابل انجام است. در معنای عام، آزادی مطبوعات شامل جست‌وجو، جمع‌آوری و کسب آزادانه اخبار و اطلاعات و عقاید عمومی، انتقال و مخابره آزادانه آن‌ها، انتشار آزادانه روزنامه‌ها و پخش آزادانه برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی، دریافت و مطالعه آزادانه مطبوعات و دریافت آزادانه برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی می‌شود. امروزه، در این معنای وسیع، آزادی مطبوعات به‌عنوان آزادی اطلاعات یا آزادی ارتباطات شناخته شده است (طباطبایی موتمنی، ۱۳۷۵، ص. ۱۰۳).

در معنای خاص، آزادی مطبوعات به نشر آزاد روزنامه‌ها و سایر نشریات ادواری از قبیل هفته‌نامه‌ها، ماهنامه‌ها، فصلنامه‌ها و... بدون هیچ‌گونه محدودیت و نظارت قبل از انتشار، عدم توقیف و تعطیل خودسرانه آن‌ها بعد از انتشار، پیش‌بینی دقیق ضوابط مسئولیت‌های قانونی نشریات و رسیدگی به تخلفات و جرائم احتمالی آن‌ها در دادگاه‌های عالی دادگستری با حضور هیئت منصفه اشاره دارد (معمدنژاد، ۱۳۷۴، ص. ۲۳).

هرچند اصل بر آزادی رسانه و مطبوعات است؛ اما باید اذعان داشت که آزادی بی‌حد و حصر، صدمات جبران‌ناپذیری به جامعه و فرهنگ عمومی وارد می‌کند. به همین جهت تعیین قلمرو و ایجاد محدودیت‌های برای رسانه، اجتناب‌ناپذیر است.

پس همان‌گونه که بر آزادی رسانه تأکید شده است، بر تعیین قلمرو آن نیز صحه گذاشته‌اند و باید مشخص شود که دقیقاً قلمرو آن تا کجاست و محدودیت‌های آن به‌طور واضح بیان شد. اگر این محدودیت‌ها به‌درستی تبیین نشود و ناشناخته و مبهم باقی بماند، خطرش از آزادی بی‌حد و حصر رسانه کمتر نیست (نوروزی، ۱۳۸۹، ص. ۳۰).

بنابراین آزادی رسانه مطلق نیست و جزو آزادی‌های مقید به شمار می‌آید و با محدودیت‌هایی مواجه است؛ اما اینکه این محدودیت‌ها چیست و راه مشخص کردن آن‌ها کدام است در ادامه بحث می‌شود

راه تشخیص محدودیت‌های مزبور در هر کشوری در مرحله اول رجوع به قوانین آن کشور است و در مرحله بعد باید دید که محدودیت‌های وضع شده در قوانین چه مقدار با واقعیت‌های جامعه سازگاری دارد و ملاک وضع این محدودیت چیست آیا ملاک مشخصی



## قلمرو آزادی در فقه، اخلاق و رسانه \* ۲۷

دارد یا نه؟ اگر ملاک مشخصی نداشته باشد، زمینه سوءاستفاده از آن فراهم می‌شود (غمامی، ۱۳۸۲، ص. ۱۸۰).

منظور از قلمرو آزادی در رسانه این است که رسانه‌ها اعم از دولتی و غیردولتی و اعم از رادیو، تلویزیون، ماهواره، شبکه‌های اجتماعی و هر ابزار نوین دیگر، تا چه حد در بیان و نشر اطلاعات آزادی دارند؟

آیا رسانه مجاز به نشر هرگونه اطلاعاتی است یا اینکه با محدودیت‌های مواجه است؟ از دو بحث قبلی، یعنی قلمرو آزادی در فقه و اخلاق، تا حد زیادی قلمرو آزادی در رسانه نیز مشخص شد؛ چون قلمرو آزادی در رسانه متأثر از مباحث فقهی و اخلاقی است و چیزی را که فقه ممنوع کرده است یا اخلاقاً مردود است، رسانه نیز مجاز به تولید و پخش آن نیست.

قلمرو آزادی در رسانه در هر کشوری از طریق قوانین مرتبط با آن مشخص شده است. دولت‌ها رسانه‌ها را کنترل می‌کند. این کنترل دو حالت دارد:

### ۱. سرکوب رسانه‌ها و آزادی‌های آن

بسیاری از دولت‌های مستبد و حکام دیکتاتور، به رسانه‌های اجازه نمی‌دهند تا هر چیزی را منتشر کنند، فقط باید مطالبی را که منافع دولت را تأمین می‌کند منتشر شود. این سیاست نقض آزادی‌های رسان‌های و مردود است

### ۲. کنترل هدفمند جهت پاسداشت از آزادی و رساندن جامعه هدف به کمال

در این سیاست، از یک سو دولت به رسانه‌ها آزادی داده است تا مطالبی که به نفع فرد و جامعه است و موجب رشد فردی و اجتماعی می‌شود را منتشر کنند و از سوی دیگران انتشار هرگونه مطلبی که باعث اختلال در نظم جامعه و تضعیف دولت شود خودداری می‌کنند

این سیاست یک جنبه مثبت و یک جنبه منفی دارد

جنبه مثبت آن آزادی دادن به رسانه‌های جهت ترویج مطالبی است که به رشد جامعه

کمک می‌کند

جنبه منفی آن کنترل رسانه‌ها در جلوگیری از نشر مطالبی است که باعث تضعیف دولت

می‌شود. در این صورت اگر دولت یک دولت لایق و دلسوز جامعه باشد و حاکم عادل روی

کار باشد، اشکالی نیست؛ چون محدودیت رسانه از روی خیرخواهی است. محدودیت‌های رسانه رامی تواند در قالب حقوق بین‌الملل و قوانین داخلی مورد بحث قرارداد

در قدم نخست باید دید که چه اصولی بر اعمال محدودیت بر اصل آزادی رسانه در اسناد حقوق بشری حاکم است؟ و سپس به بررسی محدودیت‌های آن در قوانین جمهوری اسلامی ایران پرداخته شده است.

### ۱-۶. قلمرو رسانه در اسناد بین‌المللی

اصل آزادی رسانه را در صورتی می‌توان محدود کرد و این محدودیت موجه است که در این رابطه قانونی وجود داشته باشد طبق بند ۲ از ماده ۲۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر: «هر کس در اجرای حقوق و استفاده از آزادی‌های خود، فقط تابع محدودیت‌هایی است که به وسیله قانون منحصر به منظور شناسایی و مراعات حقوق و آزادی‌های دیگران و برای رعایت مقتضیات صحیح اخلاقی و نظم عمومی و رفاه همگانی در شرایط یک جامعه دموکراتیک وضع گردیده است». برای روشن شدن بحث به عناصر این ماده پرداخته شده است

### ۱-۱-۶. حاکم بودن قانون

همان گونه که بیان شد، هر چند اصل بر آزادی رسانه است؛ اما آزادی بی‌قید و شرط پیامدهای مخربی دارد که بر اساس همین پیامدها، ناگزیر به وضع محدودیت‌های در این زمینه هستیم، حال که قرار است قلمرو رسانه مشخص شود، چه مرجع یا مقامی صلاحیت تعیین قلمرو آن را دارد؟

بهترین پاسخ این است که مرجع تعیین قلمرو رسانه باید قانون باشد. اصل حاکمیت قانون بر نظم جامعه می‌تواند تعیین‌کننده قلمرو آزادی رسانه نیز باشد.

حال که قانون قرار است تعیین‌کننده قلمرو رسانه باشد، کدام قانون و توسط چه مرجعی؟ قانون دارای دو معنای عام و خاص است و قانون به معنای خاص آن تنها شامل مصوبات پارلمان و مجلس نمایندگان می‌شود. آیا قانون به معنای عام آن که هر قانون و آیین‌نامه که

## قلمرو آزادی در فقه، اخلاق و رسانه \* ۲۹

توسط هر مرجع دولتی صادر می‌شود را شامل می‌شود، می‌تواند قلمرو آزادی را توسعه داده یا تضییق کند یا اینکه قانون به معنای خاص آن ملاک است؟ به نظر می‌رسد قانون به معنای خاص ملاک باشد نه هر مرجع دولتی. در نتیجه آیین‌نامه‌ها، بخش‌نامه‌ها و مصوباتی که خارج از پارلمان در بردارنده قواعد محدودکننده آزادی رسانه هستند، مشروعیت ندارند. در این زمینه تنها مرجع وضع‌کننده قانون، مجلس نمایندگان و پارلمان هر کشور است و آن هم محدودیتی وضع کند که مخالف قانون اساسی کشور نباشد. از سوی دیگر، پارلمان هر کشور تا چه حد می‌تواند در قلمرو آزادی رسانه دخل و تصرف کند؟ دخل و تصرف باید در حدی باشد که تخصیص اکثر لازم نیاید چون اصل بر آزادی رسانه است.

### ۶-۱-۲. رعایت اصل مردم‌سالاری

در بحث قبلی بیان شد که تنها قانون تصویب شده توسط پارلمان می‌تواند باعث محدودیت قلمرو رسانه شود؛ حال سؤال اینکه چگونه پارلمانی قوانینش مشروعیت دارد؟ آیا پارلمانی که اعضایش با تقلب و باندبازی راه یافته‌اند صلاحیت چنین کاری را دارند یا اینکه تنها نمایندگان که بر اساس لیاقت و شایستگی و از بطن یک جامعه مردم‌سالار به پارلمان راه یافته‌اند دارای صلاحیت برای انجام این کار هستند؟

منظور از جامعه مردم‌سالار، جامعه‌ای است که در آن سکان حکومت در دست مردم است و دولتمردان اعم از قانون‌گذاران و مسئولین قوه مجریه نمایندگان مردم به شمار می‌آیند. مشخص است که پارلمانی که برخاسته از یک جامعه مردم‌سالار نباشد، صلاحیت وضع محدودیت بر آزادی‌های مردم را ندارد؛ زیرا چنین پارلمانی که بر اساس مقاصد و اهداف نامشروع روی کار آمده است، هدفشان خدمت به جامعه و رشد و تعالی آنان نیست. قوانین چنین پارلمانی صرفاً به بند کشیدن مردم و سوء استفاده از قانون برای رسیدن به مقاصد خودشان است. اسناد بین‌المللی ضمن توجه به این موضوع بیان داشته‌اند که قانون محدودکننده در صورتی موجه محسوب می‌شود که در نظامی مردم‌سالار و در یک فرایند مردم‌سالارانه شکل گرفته باشد. اصل مردم‌سالاری عامل مهمی در جلوگیری از سوءاستفاده‌های نظام حاکم از رسانه خواهد بود (قاری سید فاطمی، ۱۳۸۸، ص. ۱۴۹).

بنابراین برای تعیین قلمرو رسانه اولاً باید قانون اقدام کند و آن‌هم قانونی که برخاسته از رأی نمایندگان پارلمان باشد و طبق ضرورت‌های یک جامعه مردم‌سالار وضع شده باشد و متناسب با وضعیت و شرایط و اوضاع و احوال روز جامعه باشد.

### ۳-۱-۶. اصل عدم تبعیض

عدم تبعیض بیانگر این است که هر کشوری که به اسناد حقوق بشری پذیرفته است، بدون هیچ‌گونه تبعیضی به لحاظ رنگ، نژاد، جنس، سن، زبان، مذهب و ملیت این اسناد را به اجرا گذارد و یکی از این حقوق آزادی رسانه است. اسناد بین‌المللی علی‌رغم پذیرش اصل آزادی رسانه، محدودیت‌های نیز برای آن وضع نموده است

میثاق حقوق مدنی و سیاسی تصریح داشته است که: «۱- هرگونه تبلیغ برای جنگ به موجب قانون ممنوع است. ۲- هرگونه دعوت به کینه ملی یا نژادی یا مذهبی که محرک تبعیض یا مخاصمه یا اعمال زور باشد، به موجب قانون ممنوع است.» (میثاق حقوق مدنی سیاسی، ماده ۲۰)

طبق این میثاق بین‌المللی که مورد پذیرش غالب کشورهای جهان از جمله ایران قرار گرفته است؛ هرگونه نفرت‌پراکنی، جنگ‌طلبی، کینه‌توزی، مطالب نژادپرستانه، از طریق رسانه ممنوع است.

کنوانسیون اروپایی حقوق بشر مقرر نموده است که: «اعمال این آزادی‌ها چون مستلزم تکالیف و مسئولیت‌هایی است، ممکن است تحت تشریفات، شرایط، تصمیمات یا مجازات‌های قانونی قرار گیرد که در جامعه مردم‌سالار برای منافع امنیت ملی، تمامیت ارضی یا سلامت عمومی، حفظ نظم و پیشگیری از جرایم، حمایت از بهداشت یا اخلاقیات، حمایت از حیثیت یا حقوق دیگران، جلوگیری از افشای اطلاعاتی که محرمانه دریافت شده است یا برای حفظ اقتدار و بی‌طرفی قوه قضائیه لازم است» (بند دو، ماده ۱۰)

از بررسی مجموع اسناد بین‌المللی چنین به دست می‌آید که آزادی رسانه و مطبوعات مطلق و بی‌قید و شرط نیست، بلکه دارای حدود و قیودی است که دامنه قلمرو آن را محدود نموده است.

## قلمرو آزادی در فقه، اخلاق و رسانه \* ۳۱

مهم‌ترین این قیود عبارت‌اند از: عدم تعرض به حقوق و حیثیت دیگران، عدم تهدید امنیت ملی، نظم و اخلاق عمومی، عدم تبلیغ برای جنگ و خشونت، عدم تبلیغ نفرت‌های ملی، مذهبی و نژادی.

حال باید پرسید که اصول سه‌گانه فوق (اصل حاکمیت قانون، اصل مردم‌سالاری و عدم تبعیض) در مورد قلمرو رسانه در جمهوری اسلامی رعایت شده است یا نه؟ که در ادامه به بحث از آن پرداخته شده است.

### ۶-۲. قلمرو رسانه در حقوق ایران

رسانه را می‌توان در ایران به رسانه‌های دیداری و شنیداری یا به رادیو، تلویزیون و مطبوعات مثل روزنامه، مجله و... تقسیم کرد

رادیو و تلویزیون در اختیار دولت است و طبق قانون اساسی دایر کردن رادیو و تلویزیون خصوصی ممنوع است و یکی از انتقاداتی که بر جمهوری اسلامی وارد می‌کنند همین است که با منع رادیو و تلویزیون خصوصی، باعث تحدید و تضییق قلمرو رسانه شده است.

همان‌گونه که قبلاً بیان شد، تفسیر مضیق محدودیت‌های حقوق و آزادی‌ها، اقتضا دارد که لفظ «قانون» در معنای «خاص» آن تفسیر شود. طبق اصل ۷۱ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، قانون‌گذاری در اصل از وظایف مجلس شورای اسلامی است و تنها مرجعی که صلاحیت ایجاد حق و یا تکلیف و یا محدودیت برای رسانه را دارد، قوه تقنینی است و هیئت وزیران تنها می‌تواند با رعایت اصول ۸۵ و ۱۳۸ قانون اساسی و در چارچوب قانون مطبوعات مبادرت به تنظیم آیین‌نامه اجرایی در خصوص قانون موصوف کند و حق قانون‌گذاری ندارد و قوانینی در خارج از پارلمان جهت محدود کردن رسانه تصویب شده است، خلاف قانون اساسی است و مشروعیت ندارد.

اصل ۲۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مقرر می‌دارد که: «نشریات و مطبوعات در بیان مطالب آزادند مگر آنکه مخل به مبانی اسلام یا حقوق عمومی باشند. تفصیل آن را قانون معین می‌کند». ماده ۶ قانون مطبوعات به «حدود مطبوعات» پرداخته، بیان کرده است که: «نشریات جز در موارد اخلاقی و احکام اسلام و حقوق عمومی و خصوصی که در این فصل مشخص می‌شوند آزادند. ...»

چهار قید «اخلاق به مبانی و احکام اسلام و حقوق عمومی و خصوصی»، بسیار کلی و مبهم است و زمینه سوءاستفاده را فراهم می‌کند.

همان گونه که مشخص است قانون مطبوعات فراتر از قانون اساسی عمل کرده است و دو قید «احکام اسلام» و «حقوق خصوصی» را به محدودیت‌های مدنظر قانونی اساسی افزوده است. این درحالی است که قوانین عادی نمی‌توانند فراتر از قانون اساسی عمل کنند و اصل ۸۵ قانون اساسی تصریح نموده «که مصوبات دولت نباید مخالف قوانین و مقررات عمومی کشور باشد و به - منظور بررسی و اعلام عدم مغایرت آن‌ها با قوانین مزبور باید ضمن ابلاغ برای اجرا به اطلاع رئیس مجلس شورای اسلامی برسد.»

محدودیت‌های وضع شده بر رسانه‌های نوشتاری در ایران عبارت‌اند از:

۱) نشر مطالب الحادی و مخالف موازین اسلامی و ترویج مطالبی که به اساس جمهوری اسلامی لطمه وارد کند.

قید موازین اسلامی مبهم است و امکان اینکه از آن تفسیر به رأی شود وجود دارد. هر مقام حکومتی می‌تواند از این قید به نفع خود استفاده نموده و باعث تحدید بیشتر رسانه شود. باید مشخصاً بیان شود که چه مواردی شامل «موازین اسلامی» است

۲) اشاعه فحشا و منکرات و انتشار عکس‌ها و تصاویر و مطالب خلاف عفت عمومی

۳) تبلیغ و ترویج اسراف و تبذیر.

۴) ایجاد اختلاف مابین اقدار جامعه به‌ویژه از طریق طرح مسائل نژادی و قومی.

۵) تحریص و تشویق افراد و گروه‌ها به ارتکاب اعمالی علیه امنیت، حیثیت و منافع

جمهوری اسلامی ایران در داخل یا خارج.

۶) فاش نمودن و انتشار اسناد و دستورها و مسائل محرمانه، اسرار نیروهای مسلح

جمهوری اسلامی، نقشه و استحضامات نظامی، انتشار مذاکرات غیرعلنی مجلس شورای اسلامی، محاکم غیرعلنی دادگستری و تحقیقات مراجع قضایی بدون مجوز قانونی.

فاش کردن هر سند و دستور محرمانه خلاف شرع نیست. اگر یکی از کارمندان دولت یا

حتی رئیس‌جمهور یا وزیری مرتکب جرمی شود، از باب امر به معروف و نهی از منکر می‌توان

جلو آن ایستاد و نسبت به آن افشاکاری کرد

## قلمرو آزادی در فقه، اخلاق و رسانه \* ۳۳

۷) اهانت به دین مبین اسلام و مقدسات آن و همچنین اهانت به مقام معظم رهبری و مراجع مسلم تقلید.

۸) افترا به مقامات، نهادها، ارگان‌ها و هر یک از افراد کشور و توهین به اشخاص حقیقی و حقوقی که حرمت شرعی دارند، اگرچه از طریق انتشار عکس یا کاریکاتور باشد.

۹) سرقت‌های ادبی و همچنین نقل مطالب از مطبوعات و احزاب و گروه‌های منحرف و مخالف اسلام داخلی و خارجی به نحوی که تبلیغ از آن‌ها باشد (حدود مواد فوق را آیین‌نامه مشخص می‌کند).

۱۰) استفاده ابزاری از افراد (اعم از زن و مرد) در تصاویر و محتوی تحقیر و توهین به جنس زن، تبلیغ تشریفات و تجملات نامشروع و غیرقانونی.

۱۱) پخش شایعات و مطالب خلاف واقع و یا مطالب تحریف دیگران.

۱۲) انتشار مطلب علیه قانون اساسی.

این قید نیز نوعی تحکم است. قانون اساسی وحی منزل نیست و ممکن است اشتباهاتی در آن باشد. اگر زمینه انتقاد از آن فراهم نباشد، نمی‌توان اشتباهات آن را مرتفع ساخت. پس اصل حاکمیت قانون در ایران نسبت به رسانه اعمال می‌شود، بحث مردم‌سالاری نیز وجود دارد و اصل عدم تبعیض تا حدودی اجرا شده است.

## ۷. جمع بندی و نتیجه

اصل آزادی یک حق عمومی و همگانی است اما در هر یک از فقه، اخلاق و رسانه با محدودیت‌هایی مواجه است و در هر یک قلمرو مشخصی دارد:

۱. اسلام ۱۴ قرن قبل، نظریه آزادی را بیان فرمود؛ در حالی که قوانین وضعی در اواخر قرن نوزدهم به طرح و بسط نظریه آزادی پرداختند. کلیت آزادی‌های مشروع، مورد قبول فقهای اهل بیت (علیهم‌السلام) است. قلمرو آزادی بیان تا جایی گستره دارد و قیدی بر آن نهاده نمی‌شود که منجر به ایراد ضرر بر دیگری نشود و حق الله و حق الناس را ضایع نکند و سر از دروغ‌پراکنی، تهمت، افترا و تخریب درنیآورد. اگر به این حد برسد دیگر آزادی نیست بلکه تجاوز قلمداد می‌گردد مثل قتل و غارت و سرقت و تعدی به آبرو و حیثیت.

۲. آزادی بر محور اخلاق، تحدیدی بر اطلاق آزادی است و دامنه قلمرو آزادی را مشخص

می‌سازد. اخلاق به‌عنوان معیار و سنجۀ عقلی و وجدانی برای رفتار و آزادی‌های انسانی است. هرچند آزادی به‌عنوان یک فضیلت اخلاقی برشمرده شده است، اما ذاتاً مقید است و دارای قلمرو خاصی است و با هرج و مرج و بی‌بندوباری و فساد اخلاقی نمی‌سازد. ارزش‌های اخلاقی یکی از قالب‌های بیان‌کنندهٔ مصالح و حقوق انسانی است. قلمرو آزادی انسان تا جایی است که با موازین اخلاقی برخوردی نداشته باشد. آزادی‌های موردنظر اسلام تا جایی است که موجب فساد اخلاق نباشد و بی‌عفتی را در جامعه دامن نزند. تقریباً همه اسناد بین‌المللی، اخلاق حسنه را به‌عنوان یکی از محدودیت‌ها در بحث آزادی، بیان داشته‌اند. اصول اخلاقی چون: عدم تبعیض، عدم اختلال در ارزش‌ها؛ حفظ نظم عمومی؛ اخلاق حسنه؛ راست‌گویی؛ عدم فحاشی، دوری از غیبت و عیب‌جویی؛ پرهیز از جدال غیر احسن؛ پرهیز از توهین و افترا، اجتناب از تحریف و کتمان حقیقت، دوری از تجسس در امور دیگران و... باعث توسعهٔ دامنهٔ قلمرو آزادی می‌شود و اگر برعکس عمل شود باعث تضییق قلمرو آن خواهد شد.

۳. آزادی رسانه در اسناد بین‌المللی، مطلق و بی‌قید و شرط نیست بلکه دارای حدود و قیودی است که دامنهٔ قلمرو آن را محدود نموده است. مهم‌ترین این قیود عبارت‌اند از: عدم تعرض به حقوق و حیثیت دیگران؛ عدم تهدید امنیت ملی؛ تهدید نکردن نظم و اخلاق عمومی؛ عدم تبلیغ برای جنگ و خشونت؛ عدم تبلیغ نفرت‌های ملی، مذهبی و نژادی. در قوانین ایران هم محدودیت‌های در قلمرو آزادی در رسانه بیان شده است مثل منع از: نشر مطالب کفرآمیز؛ منع از اشاعهٔ فحشا و منکرات؛ منع از تبلیغ و ترویج اسراف و تبذیر؛ منع از ایجاد اختلاف مابین اقشار جامعه؛ منع تحریص و تشویق افراد و گروه‌ها به ارتکاب اعمالی علیه امنیت، حیثیت و منافع جمهوری اسلامی ایران در داخل یا خارج؛ ممانعت از فاش نمودن و انتشار اسناد و دستورها و مسائل محرمانه، اسرار نیروهای مسلح جمهوری اسلامی، نقشه و استحکامات نظامی؛ ممانعت از اهانت به دین مبین اسلام و مقدسات آن و همچنین اهانت به مقام معظم رهبری و مراجع مسلم تقلید؛ ممانعت از افترا به مقامات، نهادها، ارگان‌ها و هر یک از افراد کشور و توهین به اشخاص حقیقی و حقوقی که حرمت شرعی دارند، اگرچه از طریق انتشار عکس یا کاریکاتور باشد؛ ممنوعیت پخش شایعات



## قلمرو آزادی در فقه، اخلاق و رسانه \* ۳۵

و مطالب خلاف واقع و یا تحریف مطالب دیگران؛ جلوگیری از انتشار مطلب علیه قانون اساسی و....

### ۸. فهرست منابع

#### قرآن کریم

۱. ابن ابی الحدید معتزلی، ۱۴۰۴، شرح نهج البلاغه، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
۲. اعلامیه جهانی حقوق بشر، مصوب دسامبر ۱۹۴۸، پاریس، مجمع عمومی سازمان ملل
۳. اعلامیه حقوق بشر اسلامی، مصوب ۱۹۹۰، قاهره
۴. بابایی، علی، ۱۳۹۶، فرهنگ علوم و سیاسی، نشر ویس، تهران.
۵. پاینده، ابوالقاسم (گردآورنده)، ۱۳۸۳، نهج الفصاحه، قم، انصاریان.
۶. جعفری لنگرودی، م. ج. (۱۳۸۳). ترمینولوژی حقوق. تهران: گنج دانش
۷. حسینی شیرازی، سید محمد، ۱۴۰۷ الفقه (کتاب الحقوق)، قم، موسسه الفکر الاسلامی.
۸. خاکزاد شاهاندشتی، سید غلامحسین، ۱۳۹۱، رسانه چیست و چه می‌کند؟، بیجا، بینا.
۹. خمینی، روح الله، ۱۳۶۹، صحیفه نور، تهران، سروش.
۱۰. رضایی نژاد، ا. (۱۳۸۰). حق آزادی بیان در نظام بین الملل حقوق بشر، نشریه وکالت. ش ۸
۱۱. ژان کازنو، ۱۳۶۵، جامعه‌شناسی وسایل ارتباط جمعی، ترجمه باقر ساروخانی و منوچهر محسنی، تهران، اطلاعات،
۱۲. ساروخانی، باقر، ۱۳۶۵، جامعه‌شناسی وسایل ارتباط جمعی، تهران، اطلاعات
۱۳. سازمان صدا و سیما، قم، دین و رسانه‌های نوین، ۱۳۸۹، بیجا، بینا.
۱۴. طباطبایی مومنی، م. (۱۳۷۰). آزادی‌های عمومی و حقوق بشر. تهران: دانشگاه تهران.
۱۵. طباطبایی، سید محمد حسین، ۱۳۷۴، میزان، قم، اسلامی

۳۶ \* فصلنامه علمی نسیم کوثر / بهار ۱۴۰۲ / شماره ۸

۱۶. عاملی، جواد، ۱۳۹۱، مفتاح الکرامه، قم، جامعه مدرسین.
۱۷. غمامی، م. (۱۳۸۲). آزادی بیان و التزام به رعایت حقوق بشر در آزادی اندیشه و بیان نوشته ناصر کاتوزیان و همکاران. تهران: دانشکده حقوق و علوم و سیاسی دانشگاه تهران.
۱۸. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، مصوب ۱۲ آذر ۱۳۵۸
۱۹. قانون مجازات اسلامی، مصوب ۱۳۹۲
۲۰. مجلسی، محمد باقر، ۱۴۰۳، بحارالانوار، بیروت، موسسه وفاء
۲۱. مرتضوی. (۲۰۱۱). ظرفیت‌ها و محدودیت‌های رسانه‌های جامعه و دولت زمینه ساز ظهور منجی موعود. مشرق موعود، ۴
۲۲. مطهری، مرتضی، ۱۳۶۳، گفتارهای معنوی، تهران، صدرا
۲۳. معتمدنژاد، ک. (۱۳۷۹). حقوق مطبوعات؛ بررسی تطبیقی مبانی آزادی مطبوعات و مقررات تاسیس و انتشار آن‌ها. جلد ۱. تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.
۲۴. منتسکیو، بی‌تا، روح القوانین، تهران، امیر کبیر
۲۵. منتظری، حسینعلی، ۱۳۷۳، رساله استفتائات، تهران، تفکر.
۲۶. موریس و پل سارتر، ژان، ۱۳۴۹، تحلیل نوین از آزادی، ترجمه منوچهر بزرگمهر، تهران، خوارزمی.
۲۷. میثاق حقوق مدنی سیاسی، مصوب ۱۶ دسامبر ۱۹۶۶ میلادی (مطابق با ۱۳۴۵/۹/۲۵ شمسی) مجمع عمومی سازمان ملل متحد.
۲۸. نوروزی، ک. (۱۳۸۹). مقتضیات و حقایق اساسی مطبوعات. در مجموعه مقالات همایش حقوق مطبوعات. تهران: دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران. چاپ اول.

29. Hobbes, 1839, The English Works of Thomas Hobbes, Vol. IV, S. W. Molesworth, Ed. , London: Hohn Bohn, Retrieved 2/ 3/ 2016, from <https://archive.org>
30. Hegel, G. W. F (2004), political writings, translated by H. B. Nisbet, Ed ited by Laurence Dickey, Cambridge & New York: Cambridge

Universit Press

31. Hegel, G. W. F (2001), The Philosophy of History, translated by J. Sibree, Kitchener: Batoche Books
32. Hegel, G. W. F (۱۹۷۵), Natural law, translated by T. M. Knox, Philadelphia: University of Pennsylvania Press

